

اندرز نامه نویسی ایرانی

سخنرانی در بزرگداشت استاد دکتر غلام حسین صدیقی



□ در دهمین سالگرد رحلت استاد فرزانه و علامه‌ی عالی‌قدر، روان‌شاد دکتر غلام حسین صدیقی، به‌عنوان یکی از شاگردان آن بزرگوار، در همین مکان، درباره‌ی پایگاه علمی و نقش تاریخی معظم‌له در بنیانگذاری علم «جامعه‌شناسی» به‌معنای اخص و توسعه‌ی علوم اجتماعی به‌معنای اعم، سخنرانی کردم و با اشاره به مذاهب مختلف جامعه‌شناسی زمان و برخورداری از آن‌ها، در پای‌گیری این دانش جدید در ایران یادآور شدم که در آن روزگار استاد ما ورود این معارف سازنده‌ی اجتماعی و انسانی را به ایران، به‌گونه‌ی «سرزمین لم‌یزرع و تاریک‌منظر و ناآشنا» نمی‌دانست و معتقد بود فرهنگ قدیم و قویم و اصیل ایرانی، بسیاری از نشانه‌های ریشه‌دار این نوع دانش‌ها را در خود داشته است.

دکتر صدیقی میان علم جامعه‌شناسی و فرهنگ ایران و معارف اسلامی، پیوند برقرار کرد، بدان‌سان که نهال این دانش جدید،

گویی از پهنه‌ی معرفت کهن و تاریخی ملت ایران سر بر می‌آورد.

دکتر صدیقی، جامعه‌شناسی بود که تاریخ و فرهنگ و گذشته‌ی جهان، خاصه مشرق‌زمین، بویژه ایران را می‌شناخت. او مورخ و ادیب و دانشمند بود که از جامعه‌شناسی و تحولات و تطورات علمی جامعه در تاریخ و زمان آگاهی داشت و با همه‌ی آن‌ها بود، او «مجموعه» بود و به‌همین دلیل به نحله‌های جدید اجتماعی بین‌المعارف‌سی یا میان‌رشته‌ای (Interdisciplinaire) پیش‌تر گرایش داشت که در زمان کنونی بسیاری از پختگان این نوع معارف در جهان بدان تمایل یافته‌اند. کوتاه‌سخن، هنر بزرگ دکتر غلام حسین صدیقی چنین شناخته شده است:

۱- به معارف تاریخی و اجتماعی ایران‌زمین بسیار آگاه بود.

۲- با تحصیل و تحقیق در اروپا، دانش‌های نوین اجتماعی مغرب‌زمین را می‌شناخت.

۳- با ابتکار تمام و سازنده و دقت علمی، دانش‌ها و معارف جدید اجتماعی را بر پیکره‌ی فرهنگی ایران‌زمین پیوند می‌داد. این سه خصیصه، بسیار ممتاز بوده است، آن هم در روزگاری که هواداران ارتجاع و واپس‌گرایی هر نوع دانش مترقی جهانی را الحاد و زندقه می‌دانستند و طرفداران ابداع و نوآوری، همه‌ی گذشته‌های فرهنگی و پایه و مایه‌های تاریخی ایران را نامربوط می‌شمردند. دکتر صدیقی در میان این جهت‌گیری‌های افراطی و تقریبطی، با روشن‌گری کامل و دلاوری، صراط مستقیم علم و فرهنگ و پیشرفت متعادل و بردوام را به جویندگان و دانش‌پژوهان نشان می‌داد. در پیوند با فرهنگ گران‌سنگ ایران، از چندین منظر می‌توان کوشش‌های علمی دکتر صدیقی را

تبیین کرد. در اخلاق و سیاست مُدُن، تصحیح و تعلیق و حواشی دو کتاب، **خردنامه** (تهران، ۱۳۲۷) و **ظفرنامه**ی منسوب به ابن سینا (۱۳۲۲) اهمیت بیش‌تری دارند. خاصه کتاب **IP** که خواننده‌ی علاقه‌مند را به جهان اندرزنامه‌نویسی آشناتر می‌کند و آشکار می‌سازد که ایرانیان به اخلاق و سیاست همواره توجه داشته‌اند و برای بنیاد جامعه‌ی مستقل انسانی و سرشار از آزادی و آزادی‌گری برپایه‌ی عدالت و راستی، در تلاش بوده‌اند.

۱- اندرزنامه‌پژوهی

اندرزنامه، **نصیحت‌نامه** و **پندنامه**، عنوان کتاب‌ها و رساله‌هایی است که در آن از حکم و پند و اندرز و انواع دستورهای اخلاقی و دینی سخن به میان آمده و حدس و گمان تاریخ‌شناسان و فرهنگ‌پژوهان، ریشه‌ی آن را به سده‌های نخستین تاریخ باستانی ایران (عصر هخامنشیان) رسانده است. واژه‌ی اندرز از زبان پهلوی هندرز (Handarz) و زبان فارسی باستان هم‌دَرزا (Hamdarza) به معنای استوار کردن و دز دوره‌های متأخر فارسی میانه (= ساسانیان) و جدید (= اعصار اسلامی) برای سخنان اخلاقی و دینی رهبران جامعه و بزرگان و دانشمندان در هدایت پیروان خود به کار رفته است. این واژه با واژه‌ی «پند» برآمده از واژه‌ی پهلوی پنتی (Panti) به معنای راه و روش بیگانه نیست و پندنامه برابر راه‌نامه‌ی زندگی، هم‌سان اندرزنامه است. اندرزنامه‌ها پس از تحولات عصر ساسانیان، حیات فرهنگی خود را به دوران اسلامی رسانند و با اخذ واژه‌ی عربی «نصیحت» و افزودن واژه‌ی «نامه»، واژه‌ی ترکیبی **نصیحت‌نامه** به کار رفته که در آن اخلاق و روش و شیوه‌های زندگی متعالی نشان داده می‌شود. در قرآن مجید نیز خطاب به رسول اکرم (ص) آمده است: **انک لعلی خلق عظیم**.

از زمانی که فلسفه و حکمت ارسطویی در مشرق زمین رواج یافت، فلسفه به نظری و عملی منقسم شد. بخش نظری، شامل

الهیات و طبیعیات و ریاضیات، و بخش عملی، شامل تهذیب نفس، تدبیر منزل و سیاست مُدُن گردید و **اندرزنامه‌ها** در مقوله‌ی فلسفه‌ی عملی قرار گرفتند. این نوع ادبیات تاریخی که از دوره‌ی ساسانیان شکوفایی یافتند، گاه **رشته‌ای** بودند، یعنی فقط برای یک بخش برای مثال تهذیب نفس (= پیرایش خوی) یا تدبیر منزل (= خانه‌داری) یا سیاست مدن (= کشورداری - مردم‌داری) می‌پرداختند و حتا به رشته‌های فرعی و کوچک‌تر نیز توجه داشتند، چون **اندرزنامه‌ی کودکان** که رساله‌ای تربیتی در به‌سامان کردن احوال کودکان است، و گاه ترکیبی بودند یعنی به تمام بخش‌های فلسفه‌ی عملی توجه داشتند و این امر در تمدن ایرانی - اسلامی نقش بسیار برجسته یافته، چون نگارش **اخلاق ناصری** خواجه نصیرالدین طوسی و دیگر کتاب‌های همانند خوش‌بختانه در این موارد، هم محققان ایرانی تألیفات بازرشی ارائه کرده‌اند^۱ و هم دو کتاب باارزش، یکی به انگلیسی و یکی به فرانسه، چه‌گونگی این نوع ادب ایرانی را به رشته‌ی تحریر کشیده‌اند.^۲

۲- پیشینه‌ی اندرزنامه‌نویسی

در این باره نظرها گوناگون است. در **فرهنگ‌نامه‌ی ادب فارسی** آمده است: «درباره‌ی اصل و منشأ اندرزهایی که در این اندرزنامه‌ها آمده، نمی‌توان نظر قطعی ابراز داشت. اما از فحوای پاره‌ای از این متون برمی‌آید که گروهی از این اصول اخلاقی بر اوستا، کتاب دینی زردشت، استوارند؛ بویژه آن دسته از متون اندرزی که خود به خاستگاه اوستایی خویش اشاره دارند و سبک نگارش جمله‌های آن‌ها با متون اوستایی نزدیک است.»^۳

فردیون آدمیت با آن که تخصص او در تاریخ معاصر ایران است، چنین می‌نویسد: «اندرزنامه که تاریخچه‌ای کهن دارد و میراث آن به فرهنگ اسلامی می‌رسد، بخش مهمی از ادب پیشینیان را می‌سازد و حوزه‌ی گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، شامل تنظیم زندگی فردی، امور خانوادگی و

اجتماعی، تعلیم اخلاقی و دینی و دستور سیاسی در دادپروری و دولت‌مداری و حکمرانی. گرچه نظام تعلیم اندرزنامه متمایز از فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی است، پیوستگی آن با تعقل مدنی را نمی‌توان یک‌سره انکار داشت، به تعبیر دیگر، فکر پندنامه‌ها وجهه‌ی نظر کلی را نسبت به بنیادهای اصلی مدنی، خانواده و اخلاق و دیانت و سیاست، کمابیش منعکس می‌دارد.»^۴

به هر حال، از زمان ساسانیان، اندرزنامه‌هایی به یادگار مانده است که به لحاظ کمی و کیفی قابل بحث هستند.

روان شاد دگتر احمد **تفضلی**، در تحقیق بی‌بدیل خود، اندرزنامه‌های ایرانی را برپایه‌ی خط و زبان بازشناسی کرده است: **نخست:** اندرزنامه‌های موجود به خط و زبان پهلوی؛ **دوم:** اندرزنامه‌های موجود به زبان عربی و فارسی

اندرزنامه‌های پهلوی

بهترین اندرزنامه‌ها به زبان و خط پهلوی عبارتند از:

- کتاب ششم دینکرد

- اندرزنامه‌های منسوب به آذرباد مهرسپندان موبد بزرگ دوره‌ی شاپور دوم ساسانی (Adurbad Mahrspandan)

- اندرز اوشزدانا وزیر افسانه‌ای کیکاوس (Andarz i Osnar i Danag)

- اندرز دانایان به مزدیسنان

- اندرز خسرو قبادان

- اندرز پوریوتکیشان (Poryotkesan)

- اندرز دستوران به بهدنیان

- اندرز بهزاد فرخ پیروز

- خیم و خرد فرخ مرد

- پنج خیم روحانیان

- داروی خرسندی

- خویش‌کاری ریدکان

- روایت پهلوی

- رساله‌ی روزها

- اندرز خوبی کنم به شما کودکان

- اندرزهای کوچک

- آراء دین به مزدیسنان



- مینوی خرد
- گزیده‌ی زادسپرم
- شایست و ناشایست
و بسیاری دیگر که در دوره‌ی اسلامی
به زبان پهلوی نوشته شده است، چون:
- اندرز فرن بگ فرخزادان
- پند نامک بزرگمهر بختگان.^۵

تازیان» از ۳۴ کتاب نام برده که ۱۴ کتاب
آن به‌طور مستقیم با منابع ایرانی رابطه دارد.^۶
اینوس-ترانزف (Inostranzev) از دو
ریشه بر پیشینه‌ی این کتاب یاد کرده است،
فرهنگ و آثار پهلوی و یونانی. آنچه این
ندیم، آثار رومی نامیده، همان آثار یونانی
است، با توجه در آثار عربی یادشده، این‌ندیم

شده، از طریق پهلوی و ترجمه‌های پیشین
ایرانیان بوده است.^۷

کتاب‌های مشهور فارسی و عربی
به‌نام‌های جاویدان خرد (الحکمه‌الخالده) و
آداب‌العرب و الفرس و اندرزهای مردک
که گاه به غلط اندرزهای مزدک خوانده
شده، از این جمله هستند. بر این فهرست،
باید کارنامک‌ها، آیین‌نامک‌ها،
تاج‌نامک‌ها، خداینامک‌ها و عهدها (=)
عهد اردشیر، وصیت‌نامه‌ها، خطابه‌ها،
مکاتبه‌ها، توقیع‌ها و دیگر آثار پزشکی و
ورزشی و تاریخی را نیز افزود که توسط
ناقلان و مترجمان زبردست به‌زبان‌های
عربی و فارسی جدید درآمده‌اند (= نامه‌ی
تنسر بهرام خورداد) و نام و نشان آن‌ها در
بسیاری از منابع از جمله الفهرست دیده
می‌شود. این پدیدار فرهنگی، بی‌هیچ تردیدی،
در ادب اسلامی و معنویت ایران اثرات
فراوان باقی گذاشته است.^۸

تعداد اندرزنامه‌ها کم نیست و نام و
نشان گویندگان آن همیشه مشخص
نمی‌شود و به لحاظ تاریخی نیز
آگاهی‌هاشان اعتبار ندارد. این نوشتارها بر
سفره‌ها، سنگ‌ها، صخره‌ها، حتا تاج
انوشیروان نیز ثبت گردیده و دربرگیرنده‌ی
مباحث اخلاقی و اجتماعی بوده است. در
مقدمه‌ی کتاب الادب الکبیر ابن مقفع آمده
است: «گذشتگان به‌سبب شدت اهتمام و
ضبط تجارب خود، اگر کسی در جایی بود
که بر مطلبی از علم یا سخنی نیک و صواب
راه می‌یافت و وسیله‌ای بر ثبت و ضبط آن
نداشت، آن را بر سینه‌ی صخره‌ها
می‌نگاشت تا مبادا مرگ او را دریابد و آن
نکته از آیندگان پوشیده ماند.»^۹

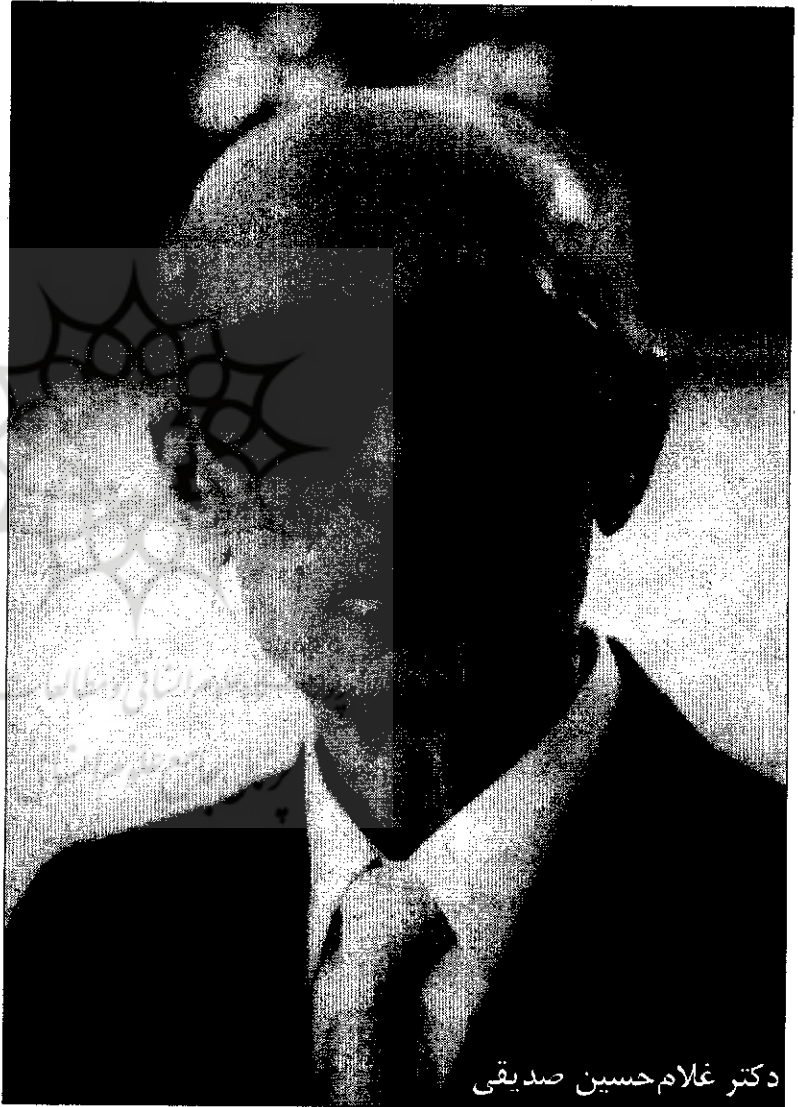
در نوشته‌های جاخط نیز آمده است:

«ایرانیان به سبب اهتمام و عنایتی که
به این‌گونه مضامین داشته‌اند، موعظه‌ها و
پندهای عام‌المنفعه را هم‌مانند تاریخ حوادث
بزرگ و اموری که نشان سرافرازی و
افتخارات‌شان بوده، علاوه بر کتب، بر
صخره‌های عظیم نیز می‌نگاشتند یا در
بناهای بزرگ به یادگار می‌گذاشتند.»^{۱۰}

و تاریخ پدیدآمدن آن‌ها، معلوم می‌شود این
نگارش‌ها زمانی صورت گرفته که هنوز از
یونانی و به طریق اولاً از هندی
(سانسکریت) کتابی به عربی ترجمه نشده
بود و آن‌چه رومی و یونانی و هندی نامیده

اندرزنامه‌های عربی و فارسی

این‌ندیم، در کتاب الفهرست زیرعنوان
«اسامی کتاب‌های تألیف‌شده در موعظ و
آداب و حکم ایرانیان و رومیان و هندیان و



دکتر غلام‌حسین صدیقی



رودکی سمرقندی، شاعر قرن سوم، در منظومه‌ی کلیله و دمنه خود به این مسأله اشاره دارد:

مردمان بخرد اندر هر زمان
راه دانش را به هرگونه زبان
گرد کردند و گرامی داشتند
یا به سنگ اندر همی بنگاشتند
سعدی شیرازی بی جهت نگفته است:
مرد باید بگیرد اندر گوش
ور نوشته است پند بر دیوار
از پندنامه‌ی انوشیروان (= راحة الانسان)
نیز به گونه‌ی منظوم مطالبی نقل است:

چو یک چند در پادشاهی بماند
هنر را به تخت شاهی برنشانند
یکی تاج فرمود گوهرنگار
برو در و یاقوت برده به کار
بر آن تاج بر بیست و سه کنگره
به زیور بیاراسته یکسره
همه پند و حکمت همه بند و ناز
درو کرده اندیشه‌های دراز
بر آن تاج بر خسرو دادگر
نیشته یکی پندنامه به زر^{۱۱}

۳- تحلیل اندرزنامه‌ها

از دوره‌ی ساسانیان، آثار و نوشتارهایی به زبان پهلوی به جای مانده که بسیاری از آن‌ها در دوره‌ی صدر اسلام توسط ابن مقفع و دیگران به زبان عربی ترجمه شده است. برخی از آن آثار، زیرعنوان مشهور «آداب الفرس» در تاریخ فرهنگی ایران و اسلام، نقش ممتازی یافته است.

در ایران تا قرن سوم و چهارم، زبان پهلوی کارایی گفتاری و نوشتاری خود را حفظ کرد، اما اندک‌اندک زبان عربی و پس از آن زبان فارسی جدید، زبان پهلوی را کنار زد و متکلمان و کاتبان آن رو به کاهش نهادند. اما ترجمه از پهلوی به دو زبان زنده‌ی عربی و فارسی تا هنگام یورش مغول ادامه یافت.

کتاب‌ها و رساله‌های مشهور به «آداب الفرس» در باب ادب و اخلاق و محاسن اخلاق و مواعظ و حکم است که به عنوان اندرزنامه یا پندنامه از آن‌ها یاد شده است. ادب‌شناسان ایرانی به درستی نوشته‌اند:

تخت الملوک

«کلمه‌ی ادب (و جمع آن آداب) هرچند در زبان عربی معاصر به جای کلمه‌ی Literature فرنگی به کار می‌رود و ما به آن در فارسی امروز ادبیات می‌گوییم، اما در دوره‌ای که ما از آن گفت‌وگو می‌کنیم، یعنی در قرن‌های نخستین اسلامی، ادب به این معنی به کار نمی‌رفته است، بلکه به گفته‌ها و نوشته‌هایی اطلاق می‌شده که متضمن مطالبی در زمینه‌های اخلاقی و تربیتی بوده و هدف آن‌ها هم چنان که گفتیم، تصفیة روح و تزکیه‌ی نفس، حسن رفتار و گفتار، آگاهی از آیین سخن‌گویی، مردم‌داری و به خصوص معاشرت با بزرگان و پادشاهان و معرفت به فرهنگ و هنر ایشان بوده است. این‌ها همان معانی هستند که از کتب اخلاقی ایران (= اندرزنامه) استنباط می‌شده و تا حدی نزدیک به همین معنی است که ما امروز از کلمه‌ی ادب و نه از کلمه‌ی ادبیات می‌فهمیم.

این که گفتیم مصداق این کلمه در قرن‌های نخستین اسلامی، بیش‌تر همان کتاب‌های بودند که از زبان فارسی ساسانی ترجمه می‌شدند، بدین جهت است که آن چه

را ابن مقفع در این زمینه‌ها از ادبیات ساسانی به عربی ترجمه کرد، نه تنها به عنوان آداب خوانده شد، بلکه این کلمه برای آن کتاب‌ها به صورت اسم خاص درآمد و آن نوشته‌ها را با عنوان آداب ابن مقفع نامیدند؛ زیرا مطالب آن‌ها را نمونه‌ی کامل آن چیزی می‌دانستند که از کلمه‌ی ادب و آداب می‌فهمیدند. پیش از ابن مقفع و کتاب‌های او در زبان عربی، کتاب یا نوشته‌ای به نام ادب و آداب سراغ نداریم.

کلمه‌ی ادب و آداب در دوره‌هایی که ما از آن گفت‌وگو می‌کنیم، اگر هم به طور حصر درباره‌ی آثار اخلاق ایران استعمال نمی‌شده، ولی نوعی پیوستگی با آثار ایرانی داشته است، به طوری که آداب الفرس از تعبیرهای مأنوس و متداول این دوره‌ها است و افزون بر کتاب ابن مقفع، از بین سایر نوشته‌های دوره‌ی ساسانی، آثاری که با عنوان ادب، به زبان عربی ترجمه شده است، کم نیست. چنان که ترجمه‌ی پندنامه‌ی بزرگمهر هم در عربی به نام آداب بزرگمهر معروف گردید.^{۱۲}

در بازگرداندن آثار اخلاقی و تربیتی ایرانیان (= پندنامه‌ها، اندرزنامه‌ها و...) به زبان عربی و علاقه‌مندی خلفای عباسی و پاره‌ای از امیران و حاکمان ایرانی یا حکمرانان عرب در سرزمین‌های ایرانی‌نشین، نشان‌های زیادی در کتاب‌های تاریخ آن روزگار از آن میان در کتاب ارزشمند آثارالباقیه عن القرون الخالیه ابوریحان بیرونی موجود است.

۴- استاد صدیقی و صلاحیت کیفی اندرزنامه‌ها

دکتر صدیقی از فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی آگاهی کامل داشت. کم‌تر کتابی در جهان به زبان‌های مختلف مشاهده می‌شود که در کتاب‌شناسی آن به کتاب جنبش‌های دینی ایران که رساله‌ی دکتر صدیقی معظم‌له بود، اشاره نشده باشد. با این حال، فرهنگ و تمدن ایران باستان مورد علاقه و بررسی کامل استاد بود. وی با انواع مستون تاریخی و جغرافیایی و حقوقی و علمی، روایات پهلوی، رسائل تعلیمی، گزارش‌های گوناگون، داستان‌ها و

چیستان‌ها، نوشته‌های مربوط به افسون و تمویذ، رسالات حکومتی، آیین‌نامه‌های کشورداری، عهدها، نامه‌ها، خطبه‌ها، توقیعات، مفاخره‌ها، مناظره‌ها، تاج‌نامک‌ها، خدای‌نامک‌ها، کارنامک‌ها و جز این‌ها آشنا بود و همه‌ی آن‌ها را مورد بررسی دقیق قرار می‌داد. درباره‌ی اندرزنامه‌ها و کتاب‌های اخلاقی به عربی و فارسی پژوهش‌های عمیق فراهم آورد. به انتشار آثار بزرگانی چون ابن‌سینا دست یازید. قراضه طبیعیات و ظفرنامه را انتشار داد، خردنامه و معراج‌نامه را برای چاپ آماده ساخت. مقالات ارزنده‌ای درباره‌ی کتاب مکارم‌الاخلاق، قصیده‌ی فلسفی ابوالهیثم، زندگی و آثار حکیم نسوی، کتاب جاوید خرد، عهد اردشیر، جزوه‌ی اجتماعیات در ادبیات و یادداشت‌های دیگر فراهم آورد که همه‌ی آن‌ها نشان‌دهنده‌ی پیوند روح و روان دکتر صدیقی با اخلاق و آداب انسانی و فرهنگ و ادبیات فارسی و از آن میان ارزش‌های اجتماعی و تاریخی حاکم بر اندرزنامه‌های ایرانی است.^{۱۳}

استاد ما رحمت‌الله علیه، درباره‌ی کیفیت اندرزنامه‌ها نوشته است: «اندرزنامه‌ها اغلب نماینده‌ی مذهب فلسفی یا دینی خاصی نیستند و از قید یک طریقه‌ی منظم اخلاقی آزادند. آنچه در آن‌ها محسوس است، نتیجه‌ی ترکیب تعلیمات سوند و عالی مذاهب اخلاقی و دین‌ها یا ثمره‌ی تجربه‌ی عامه است. به همین ملاحظه، در این اندرزها، تعصب عقیدتی و خاصی و سخت‌گیری و کافرشماری دیگران دیده نمی‌شود. جانب‌بلندنظری و تساهل و تسامح ملحوظ گشته و حتا آییناً به این امر سفارش شده است.»^{۱۴}

درباره‌ی سبک نگارش اندرزنامه‌ها استاد معظم آورده‌اند: «از خصوصیات این نوع ادبی، رعایت ایجاز و اختصار در سؤال و جواب و خالی بودن آن‌ها از خشو و زواید است.»^{۱۵} زیرا یکی از صورت‌های اندرزنامه‌ها، صورت پرسش و پاسخ است. بدین نحو که شاگردی از معلم یا شاهی از وزیر، سؤال

اخلاق امینی

تألیف:

مروم میرزید حسن امین الشریع

با مقدمه و تعلیقات به قلم:

دکتر میرزید حسن امین

می‌کند و مخاطب جواب می‌گوید و موعظه و نصیحت به این وضع انجام می‌گیرد.»^{۱۶} در فرهنگ‌نامه‌ی ادب فارسی نیز آمده است: «گروهی از اندرزنامه‌ها با ساختاری منسجم و جملاتی کوتاه و یک‌دست و سبکی زیبا نوشته شده‌اند. گروهی دیگر نثری دشوار و جملاتی کوتاه و مبهم دارند. پاره‌ای دارای جمله‌هایی سست و بی‌روح و بدون آرایه‌های هنری‌اند. اما پاره‌ای دیگر، در نهایت زیبایی و سلامت و گاه با وزن و قافیه نگارش یافته‌اند.»^{۱۷}

استاد صدیقی ویژگی‌های اخلاقی و موعظه‌گرایی ظفرنامه را به‌گونه‌ی یک کتاب اخلاقی که عامل نیک‌بختی انسان است، برشمرده‌اند که کمابیش اندرزنامه‌های دیگر نیز همین‌گونه هستند. آن صفات عبارتند از: تن‌درستی، توانگری، ایمنی، دانش‌آموزی، دانایی، بردباری، دین‌داری، پرهیزگاری، بی‌طمعی، پرهیز از بدی، شرم‌داری، دلیری، آهستگی، دوری از کاهلی، نیک‌نامی و هم‌چنین (در حق خانواده) فرمان‌برداری از پدر و مادر، گرویدن زن به شوهر، گرویدن بنده به خداوند، نیکوداشت خویش و زن و فرزند، خواسته از بهر گزار و حق خویشان و نزدیکان و مادر و پدر و صفات دیگری مانند: راستی، عدل، سخاوت، دوری از بخل، دوست‌داری، نیکی‌کردن، پرهیز از دروغ، خودداری از

عجب، سپاس‌داری و تواضع، استعجال در خیرات، دورشدن از تهمت، کم‌آزاری، به‌جا آوردن ادب، مشورت، خودداری از ستودن ستم‌کاران، امانت‌داری و جز این‌ها.»^{۱۸}

در اعصار اسلامی، اندرزنامه‌های باستانی گاه در دیوان‌های شاعران ایرانی، از رودکی و فردوسی، سنایی و انوری و سعدی و حافظ، تا شاعران پس از یورش مغولان، جای یافت و گاه در «اخلاق‌نامه‌ها» و کتاب‌های «سیرالملوک» و «سیاست‌نامه‌ها» چون قابوس‌نامه‌ی کیکاوس بن اسکندر، سیاست‌نامه و دستورالوزرای خواجه نظام‌الملک، نصیحه‌الملوک امام محمد غزالی، تحفه‌الملوک علی بن محمود اصفهانی، مکارم‌الاخلاق رضی‌الدین محمد نیشابوری، کنایه‌الملوک مبارک‌شاه، اخلاق ناصری خواجه نصرالدین طوسی، اخلاق محتشمی، اخلاق جلالی جلال‌الدین دوانی، اخلاق همایون، اخلاق شقایب تا جامع‌السعادات ملامهدی نراقی و معراج‌السعاده پسرش ملاحمد نراقی اخلاق امینی، تألیف امین‌الشریعه سبزواری و ده‌ها پندنامه‌ی دیگر که هر یک از آن‌ها به‌گونه‌ای بخش‌هایی از اندرزنامه‌ها را دربر دارند.

فریدون آدمیت به‌درستی نوشته است که این سنت تا دوران معاصر استمرار پیدا کرد، اما در این روزگار، «از نظر سبک نگارش، لطف سخن گذشتگان را ندارد و از نظر فکر و مضمون به قوت و اعتبار آثار پیشینیان نمی‌رسد. قرن‌ها بود که تفکر سیاسی از آن‌چه در اصل هم بود، تنزل یافته بود و اندرزنامه فقط جلوه‌ای است از منظومه‌ی تعقل کل جامعه. به‌حقیقت، سده‌ی سیزدهم، دوره‌ی انحطاط ادب اندرزنویسی است که جنبه‌ی سیاسی‌اش در برخورد با اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی جدید، رفته‌رفته به افول رسید.»^{۱۹}

در دوره‌ی قاجاریه در مسیر تحلیل اوضاع سیاسی و اندیشه‌های جدید، آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی و برداشت‌های سیاسی و اجتماعی از دیانت،

بیش از دو بیست رساله‌ی مختصر و مفصل تألیف شده است.^{۲۰}

زمانی که مرحوم دکتر اسمعیل رضوانی بیش از ۲۰ رساله را معرفی کرد، استاد دکتر صدیقی در تکمله‌ای به عنوان «ده رساله‌ی تبلیغاتی دیگر از صدر مشروطیت» و چاپ آن در مجله‌ی «راهنمای کتاب» (سال ۱۳۴۹) نشان داد که زمینه‌ی کار علمی معظم‌له تا دوران جدید نیز ادامه یافته است.

سخن پایانی

اجازه می‌خواهم در پایان، جمله‌ای از استاد بزرگوار و یار همیشگی و باوفای دکتر صدیقی، مرحوم دکتر یحیی مهدوی، نقل کنم. ایشان نوشته‌اند که در مدرسه‌ی دارالفنون روزی «در ایوان مقابل کلاس، یکی از همین آشنایان تازه را با جوانی لاغر اندام کشیده قامت، سرگرم بحث و مباحثه یافتیم. پس از مختصر معارفه‌ای، متوجه و در عجب شدم که از دهان کوچک این شاگرد سال چهارم علمی، سخنان سنجیده‌ی فهمیده حاکی از مطالعه در تاریخ ایران و ادبیات فارسی شمرده و با طمأنینه بیرون می‌آید، شادروان دکتر یحیی مهدوی افزوده است: «مرادم از این معترضه‌ی مفصله، بیان این نکته است که در آن اوقات وسایل مطالعه و تحقیق در ادبیات و تاریخ ایران چندان فراهم نبود و دسترسی به منابع و مآخذ این رشته‌ها، اگر محال نمی‌بود، باری بسیار صعب و دشوار بود. پس این جوان به راستی پژوهنده و اهل طلب بود که مطالعاتی در این ابواب داشت و استعجاب آمیخته به احترام بنده بی‌جا و بدون جهت نبود.»^{۲۱}

آن جوان «لاغر اندام کشیده قامت» بیش و کم بیست ساله که موجب «استعجاب آمیخته به احترام» شده بود، آقاسی غلام حسین صدیقی، فرزند مرحوم میرزا حسین صدیقی اعتضاد دفتر بود. او از همان اوان جوانی، عشق به ایران و فرهنگ ایران را در دل داشت و خدمت به ایرانیان را برای خود افتخاری بزرگ می‌دانست و به همین دلیل در سلک وزارت در پرافتخارترین ادوار تاریخی ایران درآمد.



حکیمان یونان، تا آثار دانشمندان بزرگ اروپایی جدید و فرزندگان مشهور آسیا و از سنگ‌نوشته‌های عصر باستان تا سروده‌های آسمانی گویندگان ایران زمین، راه و روش خود را برگزیده بود. اگر گفته شود که حرکت استاد از «حکمت» تا «حکومت»، در پیوند با همین حب و اشتیاق و علاقه‌مندی بوده است، به تحقیق گزاره نخواهد بود.

من به عنوان یک کوشنده‌ی علاقه‌مند در مسائل اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ایران، کم‌تر «رجلی» دیدم که اگر در مخالفان سیاسی خود، ۹۹ نقص و فقط یک حسن ببیند، آن یک حسن را تمجید نکند یا در یاران و موافقان خود ۹۹ حسن ببیند و یک عیب، جهت اصلاح و بهسازی، صمیمانه آن یک عیب دوست را تذکر ندهد. او نه مردم را فریب می‌داد و نه فریفته‌ی عوام می‌شد و بارها به مناسبت‌هایی این آیه‌ی شریفه کلام‌الله مجید [کذا فی الاصل] را تلاوت می‌کرد:

قولوا الحق ولو علی انفسکم...

دکتر صدیقی «سیاست» را به گونه‌ی هنر اداره‌ی جامعه و اصلاح آن در زمینه‌های چندگانه می‌دانست و نه عوام‌فریبی و مقام‌پرستی و جاه‌طلبی. از قبول عنوان ریاست و رهبری همواره خود را دور نگاه می‌داشت و می‌کوشید تا هم‌کسوتان و هم‌راهان دیگر نام و نشان داشته باشند و

پس از کودتای شوم ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، زمانی که در زندان بود، پروفیسور لویی ماسینیون فرانسوی، با وی ملاقات کرد و از استاد خواست تا به فرانسه بیاید و در دانشگاه پاریس تدریس کند. می‌دانید وی چه پاسخ داد؟ گفت: «ایران وطن من است و من به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم. حتا اگر این امر به بهای جان من تمام شود. چون من هرچه دارم، از این آب و خاک است.»^{۲۲} به زبان روان شاد دکتر شرف خراسانی:

خاک بیگانه نه آرمگه پیکر ماست

شرفا لاشه‌ی خود نیز بر این خاک ز نیم چنین بود دکتر غلام حسین صدیقی، مردی برجسته و کمیاب، دانشمندی حکیم و خردمندی هوشیار، پژوهشگری بیداردل، معلمی والامزلت و پُرتوان و روشنگر، سیاست‌مداری پرهیزگار و وظیفه‌شناس و حکمت‌مدار، عالمی در آدمی و آدمی در عالمی، جامعه‌شناسی فرهنگی، فرهنگ‌شناسی اجتماعی، زمان‌شناسی موزخ، مورّخی زمان‌شناس، عاشق ایران و استقلال ایران، شیفته‌ی آزادی و دموکراسی، ورود او به سیاست نه دلیل اقتصادی و انگیزه به اصطلاح «زیربنایی» داشت و نه جاه‌طلبی و مقام‌خواهی، او برپایه‌ی آموزش‌هایی که داشت، از اندرزنامه‌های پارسی تا کتاب‌های اخلاقی اعصار اسلامی، از گفته‌ها و نوشته‌های



دکتر صدیقی

دکتر مصدق

تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۶.

۶- ابن ندیم، الفهرست، ترجمه‌ی رضا تجدد، تهران، اسدی، ۱۳۵۰ (پس از درگذشت مرحوم تجدد، این کتاب توسط همسر ایشان شادروان خانم مهین جهانگلو تجدید چاپ شده است).

۷- محمّدی ملایری، محمّد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانیان به عصر اسلامی، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۷۳، ص ۲۵۸.

۸- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶، ص ۴۰-۱۳۱.

۹- محمّدی ملایری، محمّد، ادب و اخلاق در ایران پیش از اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲، ص ۱۷.

۱۰- همان‌جا.

۱۱- به نقل از سعید نفیسی (مجله‌ی مهر، سال دوم)، تاریخ و فرهنگ ایران، ص ۲۶۱.

۱۲- ادب و اخلاق در ایران پیش از اسلام، ص ۲۵.

۱۳- سرای آگاهی از تألیفات انتشار یافته و انتشار نیافته‌ی دکتر غلام‌حسین صدیقی: «تکمیل همایون، ناصر، «جایگاه فرهنگی استاد فرزانه دکتر غلام‌حسین صدیقی»، فرهنگ (نهم)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰.

۱۴- ابوعلی سینا، ظفرنامه، به تصحیح دکتر غلام‌حسین صدیقی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۳۸، ص ۲۲ (مقدمه).

۱۵- همان، ص ۳۲.

۱۶- همان، ص ۳۱.

۱۷- فرهنگ‌نامه‌ی ادب فارسی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۱۸- ظفرنامه، ص ۳۸-۳۹.

۱۹- افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده‌ی دوره‌ی قاجار، ص ۱۱.

۲۰- استاد محترم، آقای دکتر غلام‌حسین زرگری‌نژاد، تصمیم دارند تا اسناد و مدارک اجتماعی و سیاسی دوره‌ی قاجار را به صورت علمی و انتقادی به چاپ برسانند.

جلد اول با عنوان: رسایل سیاسی دوره‌ی قاجار در سال ۱۳۸۱ (تهران، کتاب‌خانه‌ی ملی ایران) و جلد دوم با عنوان: رسایل مشروطیت (۱۸ رساله) در سال ۱۳۷۴ (تهران، نشر کویر) به چاپ رسیده است. جلد سوم رسایل مشروطیت در مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران و جلد‌های بعدی در مؤسسه‌ی مطالعات و توسعه‌ی علوم انسانی، یکی پس از دیگری به چاپ خواهد رسید.

۲۱- مهدوی، یحیی؛ افشار، ایرج (گردآورنده)، هفتاد مقاله از مغان فرهنگی به دست دکتر غلام‌حسین صدیقی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۹، ص ۳۴۵-۳۲۶.

۲۲- به نقل از مصاحبه با خانم دکتر نیکو صدیقی، مجله‌ی آینه، تهران، ۱۳۷۰، شماره‌ی ۵۹، ص ۶۹.

صدیقی، از یاران باوفا و هم‌پیمانان بلندمنزلت او و از روشن‌گران راه و روش مبارزه عدالت‌خواهانه‌ی ملت ایران بوده‌اند.

راه مصدق، راه صدیقی، راه همه‌ی شهیدان و مبارزان استقلال‌طلب و آزادی‌خواه ایران شکوفا باد.

بنده‌ی پیرمغانم که ز جهلم برهانم
پیر ماهر چه کند عین عنایت باشد
یا سپاس از شکیبایی شما و با درود به
یاران رفته. ■

ایشان در همان منزلت فراعربی استوار
بمانند تا رقابت‌های زیان‌بخش پدید نیاید.

به عقیده‌ی دکتر صدیقی، میهن‌دوستی، ملت‌خواهی، استقلال و آزادی، عدالت و مردم‌سالاری، فرهنگ و تمدن ایران، برخوردار از دانش‌ها و تمدن‌های بشری و حرکت در مسیر پیشرفت و تعالی جامعه، از امور مقدّس بودند و تعصب و تقشّر، ناآگاهی و بیهوده‌گویی و پیش‌انداختن خود از مسائل دیگر و به‌راستی: عشق‌بازی دگر و نفس‌پرستی دگر است.

به گمان من که یکی از شاگردان دکتر صدیقی بودم و هستم، نهضت ملی ایران، حرکتی عظیم و اصیل و بی‌آلایش در تاریخ معاصر ایران است و هر کس در این نهضت، هر جایی قرار گیرد، تنزه اخلاقی و اجتماعی دارد، اما تعلق دکتر صدیقی به این نهضت، فزون بر تنزه و تقدّس معظم‌له؛ معطی «حقانیت» به نهضت ملی ایران است و به ما افتخار می‌دهد که در راهی گام برداشته‌ایم و در راهی گام خواهیم برداشت که کاروان‌سالار ما نماد استقلال ملی و آزادی و مردم‌سالاری، جاویدنام دکتر محمّد مصدق است.

افتخار ما در این است که شخصیت‌های برجسته‌ی تاریخ ما، همانند دکتر غلام‌حسین

پی‌نوشت‌ها

۱- نگارنده اطلاع دارد که استاد محترم، سرکار خاتم دکتر کتابیون مزدپور، تألیف بالارزشی را زیرعنوان اندرزنامه‌های ایرانی به‌زودی انتشار خواهند داد.

۲- دو کتاب یادشده عبارتند:

Iranian Influence (ایتوسترانزف) Inostranzev (بمی ۱۹۱۸)
On Moslem Literature,
Fouchecour Ch. H (DE)- Moralia Les Notions Morales Dans La Literature Persane (پاریس ۱۹۸۷)

۳- برزگر، «لندرزنامه»، فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۶۳.

۴- آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده‌ی دوره‌ی قاجار، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۶، ص ۱۱.

۵- برای آگاهی بیشتر: